

زمزم آب شفا بخش

تألیف

دکتر حسین تاجی گله داری

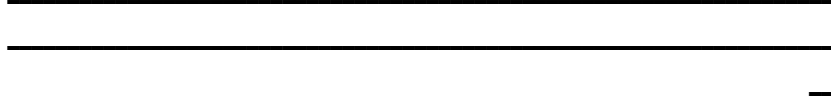
فهرست مطالب

صفحه

| | |
|----|-------------------------------|
| ۶ | پیشگفتار |
| ۷ | تاریخچه آب زمزم |
| ۱۹ | عبد المطلب و حفر مجدد زمزم |
| ۲۰ | چاه زمزم و سرچشمه های آن |
| ۲۳ | نامهای زمزم |
| ۲۴ | فضایل آب زمزم |
| ۲۷ | ویژگیهای آب زمزم |
| ۳۶ | آداب نوشیدن آب زمزم |
| ۳۷ | فواید نوشیدن آب زمزم |
| ۳۸ | از اسرار آب زمزم |
| ۳۹ | شگفتیهای آب زمزم |
| ۴۱ | آب زمزم در آزمایشگاه های جهان |
| ۴۷ | علاج با آب زمزم |

٣

زمزم آب شفا بخش



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

زمزم

آب شفا بخش

زمزم آب شفا بخش

۵

زمزم

آب شفا بخش

پیشگفتار

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه
أجمعين:

آب زمزم بهترین آب روی زمین است و اکنون بیش از پنج هزار سال؛
از ظهور این آب گوارا و شفا بخش، از زمان حضرت اسماعیل علیه السلام
تا کنون می گذرد، زمزم آبی است که خداوند آن را به عنوان هدیه به
مؤمنانی که از دور دست برای زیارت خانه اش مشرف می شوند؛ ارزانی
داشته است، و دارای فواید بسیاری است، برخی از فواید آب زمزم این

است که خستگی را از بین می برد، و بدن را تقویت می کند، مشاهده می کنیم که زایران خانه ی خدا بعد از طواف و خستگی، هنگامی که آب زمزم را می نوشند، احساس خستگی از آنان دور می شود و فعال تر می شوند. در این کتاب مختصر سعی نموده ایم که برخی از فضایل، آداب، ویژگی و خصوصیات آب زمزم را ذکر نماییم، امید است که مورد استفاده عزیزان قرار بگیرد، و از خداوند سبحان مسئلت دارم که این عمل را از بنده بپذیرد.

خادم العلم والعلماء

دکتر حسین تاجی گله داری

۱۵ شعبان ۱۴۲۹هـ

برابر با ۲۶ مردادماه ۱۳۸۷ش



زمزم

آب شفا بخش

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

تاریخچه آب زمزم

داستان ظاهر شدن آب زمزم با داستان و سرگذشت حضرت ابراهیم و همسرش هاجر و فرزندشان حضرت اسماعیل ارتباط دارد، حضرت ابراهیم علیه السلام به دستور خداوند، همسرش هاجر و فرزندش اسماعیل را که تازه متولد شده بود؛ از سرزمین کنعان (فلسطین) به سرزمین خشک و سوزان فاران (مکه) که نه جانداري؛ نه آب و علفی داشت؛ در میان دره های کوهستانی، منتقل کرد، آنها هیچ زاد و توشه ای بجز یک مشک آب و کیسه ای خرما چیزی نداشتند؛ حضرت ابراهیم علیه السلام آن دو را کنار درخت بزرگی در نزدیکی مکان کعبه گذاشت، سپس از مکه خارج شد؛ چون قصد برگشتن نمود، همسرش بدنبال او براه افتاد، وگفت: ای ابراهیم ما را در این بیابانی که هیچ کس و هیچ چیز وجود ندارد، رها می کنی و کجا می روی؟ هاجر چندین بار سخن خویش را تکرار کرد، اما از ابراهیم علیه السلام جوابی نشنید، آنگاه هاجر گفت: آیا خداوند به تو

زمزم

آب شفا بخش

چنین دستور داده است؟ حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: بله، هاجر گفت: در این صورت خداوند ما را ضایع نمی کند.

آنگاه حضرت ابراهیم علیه السلام به راهش ادامه داد؛ تا این که از دید آنان ناپدید گردید، پس دست دعا و تضرع به درگاه خدای بی نیاز بلند کرد، و عرضه داشت:

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ
الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي
إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَكْرَهُونَ﴾ [سوره ابراهیم: ۳۷]

« پروردگارا! من (برخی) از فرزندانم را در وادی (خشک) و بی آب و بی گیاه، نزد خانه گرامی تو ساکن ساختم. پروردگارا! تا نماز را بر پا دارند، پس تو دلهای (گروهی) از مردم را به آنها مایل بگردان و از میوه ها به آنها روزی ده، باشد که آنان سپاس گزارند».

هاجر و اسماعیل علیهما السلام تنها ماندند؛ هاجر از آن آبی که همراه داشت می نوشید، و از آن خرما می خورد، و کودکش را شیر می

داد؛ تا اینکه پس از اندک زمانی آب همراه هاجر تمام شد، و تشنگی بر آنها غالب شد، تشنگی فرزندان؛ مادر را به تلاش برای یافتن آب واداشت، پس برای جستجوی آب به هر سوی می دوید، شاید که کسی را بیابد یا اینکه جرعه آبی پیدا کند، پس کوه صفا از همه نزدیکتر بود، بنابراین هاجر در پی آب به فراز کوه صفا رفت؛ ولی چیزی نیافت، سپس از صفا پایین آمد، ودوان دوان به فراز کوه مروه رفت، آنجا نیز چیزی نیافت و کسی را ندید، و این فاصله ی میان دو کوه صفا و مروه را هفت بار پیمود، و تا آنجا که توانست سعی کرد؛ اما تلاش و سعی اش بی نتیجه بود؛ تا اینکه به معجزه الهی به ناگاه در کنار حضرت اسماعیل چشمه آبی ظاهر شد و فواره زد، هاجر؛ از ترس اینکه آن آب به درون زمین فرو رود، مقدار خاک و شن را اطراف آن ریخت، و آب را در آنجا نگاه داشت، سپس مشک خود را پر کرد، و به فرزندش داد و خود نوشید، این چشمه ی مبارک زمزم نام گرفت، و به هاجر و فرزندش حیات دوباره بخشید.

زمزم

آب شفا بخش

پس از مدتی قبایل «جرهم» که از آنجا می گذشتند؛ متوجه شدند که در این منطقه آبی وجود دارد؛ لذا آنان با کسب اجازه از مادر اسماعیل؛ در کنار این چشمه که به چاهی تبدیل شده بود و آب فراوان داشت؛ سکونت گزیدند.

حضرت اسماعیل علیه السلام بزرگ شد، و با یکی از دختران جرهمی ازدواج کرد، و سپس با پدرش حضرت ابراهیم علیهما السلام خانه ی کعبه را بنا کردند، پس از چندی قبایل کنانه و خزاعه نیز در جوار کعبه ساکن شدند، جرهمیان حرمت کعبه و حرم را پایمال کردند، آنگاه خداوند آب زمزم را از جوشش انداخت و خشک کرد، سپس کنانه و خزاعه؛ جرهمیان را بیرون راندند، و خود بر سرزمین مکه مسلط گردیدند^(۱).

(۱) به بدایه و نهایه ابن کثیر (۲۲۱/۱-۲۲۴) و تاریخ طبری (۱۵۲/۱-۱۵۵) و سبیل الهدی والرشاد (۱۸۷/۱) و اخبار مکه فاکهی (۶/۲) رجوع شود.

امام بخاری رحمت الله عليه داستان حضرت ابراهيم و همسرش هاجر و فرزندشان اسماعيل عليهم السلام را در كتاب صحيح از زبان عبدالله بن عباس رضی الله عنهما چنین نقل می کند:

ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: اولین بار که زنان از شال کمر استفاده کردند به تقلید از مادر اسماعیل (هاجر) بود. وی شال کمر، استفاده کرد تا رد پایش را از بین ببرد و ساره آنرا نبیند. سپس، ابراهیم علیه السلام هاجر و فرزندش، اسماعیل را که شیرخواره بود، برد و در نزدیکی بیت الله زیر درخت بزرگی که بالاتر از زمزم در قسمت علیای مسجد، قرار داشت، گذاشت. در آن زمان، در مکه، احدی وجود نداشت و آب نبود. ابراهیم علیه السلام آنها را با یک کیسه خرما و یک مشک آب، همانجا رها کرد. سپس، به آنها پشت کرد و براه افتاد. مادر اسماعیل، بدنبال او براه افتاد و گفت: ای ابراهیم! ما را در این بیابانی که هیچ کس و هیچ چیزی وجود ندارد، رها میکنی و کجا می روی؟ و چندین بار، این جمله را تکرار کرد. اما ابراهیم علیه السلام به او توجه نمی کرد. آنگاه، هاجر گفت:

زمزم

آب شفا بخش

آیا خداوند به تو چنین دستوری داده است؟ ابراهیم گفت: بلی. هاجر گفت: در این صورت، خداوند ما را ضایع نخواهد کرد. سپس برگشت. ابراهیم علیه السلام به راهش ادامه داد تا اینکه به گردنه کوه، جایی که دیگر آنها او را نمی دیدند، رسید. آنجا رو بسوی کعبه کرد و دستهایش را بلند نمود و چنین دعا کرد: پرودگارا! من زن و فرزندم را در سرزمین بدون کشت و زرع در کنار خانه تو که (تجاوز به) آنرا حرام ساخته ای، ساکن کرده ام تا نماز را بر پای دارند. پس تو دلهای گروهی از مردم را بسوی آنان متمایل کن و آنها را از میوه ها، روزی عطا فرما، باشد که سپاسگزاری کنند.

و هاجر نیز اسماعیل را شیر می داد و از آن آب، می نوشید تا اینکه آب مشک اش، تمام شد. آنگاه، او و فرزندش، تشنه شدند. او فرزندش را می دید که از (شدت تشنگی) به خود می پیچد و یا پاهایش را به زمین می زند.

هاجر که نمی توانست شاهد دیدن این صحنه باشد، براه افتاد و بالای کوه صفا که آنرا نزدیکتر یافت، رفت و در آنجا ایستاد و بسوی

—
 رودخانه نگاه کرد که آیا کسی را می بیند؟ ولی کسی را ندید. سپس، از کوه صفا پایین آمد تا به رودخانه رسید؛ آنگاه گوشه پیراهنش را بالا کشید و مانند کسی که دچار مشکل شده باشد، دوید تا اینکه از رودخانه گذشت. سپس، بالای کوه مروه رفت و آنجا ایستاد و نگاه کرد که آیا کسی را می بیند؟ ولی کسی را ندید. و هفت بار، این عمل را تکرار نمود.

ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «پس به همین خاطر است که مردم بین صفا و مروه، سعی می کنند».

سرانجام هنگامی که مُشرف بر کوه مروه شد، صدایی شنید. به خود گفت: ساکت باش. آنگاه خوب، گوش فرا داد. دوباره همان صدا را شنید. سپس گفت: صدایت را به گوشم رسانیدی. اگر می توانی به من، کمک کن. ناگهان، فرشته ای را کنار جایگاه زمزم دید که با پایش و یا بالش به زمین می زند تا اینکه آب، بیرون آمد. سپس هاجر، آب را جمع کرد و با دستش، جلوی آن را گرفت. و از آن

زمزم

آب شفا بخش

آب، بر می داشت و در مشک می ریخت. و پس از هر بار برداشتن، آب همچنان فوران می کرد.

ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «خداوند، مادر اسماعیل را رحمت کند، اگر او زمزم را رها می کرد» یا اینکه فرمود: «اگر او از آن آب بر نمی داشت، زمزم، چشمه ای جاری و روان می شد».

راوی می گوید: او آب نوشید و فرزندش را شیر داد. فرشته به او گفت: از هلاک شدن، نترسید. زیرا اینجا خانه خداست که این پسر و پدر، آنرا خواهند ساخت. و خداوند، دوستانش را ضایع نمی گرداند. گفتنی است که جای خانه کعبه، زمینی مرتفع و تپه مانندی بود که سیل، از چپ و راست آن، می گذشت.

هاجر این گونه، زندگی می کرد تا اینکه عده ای از قبیله جرهم که از راه کداء می آمدند، در قسمت پایین مکه، توقف کردند. و پرنده ای را که غالباً دور آب می گردد، در آنجا دیدند و گفتند: این پرنده، اطراف آب، دور می زند. و از زمانی که ما این رودخانه را می

شناسیم، آبی در آن، وجود نداشته است. سپس، یک یا دو نفر را فرستادند. ناگهان، آنان آب دیدند و برگشتند و خبر آب را برایشان آوردند. آنان بسوی آب رفتند و در کنار آب، مادر اسماعیل را دیدند. به او گفتند: آیا به ما اجازه می دهی که نزد تو بمانیم؟ گفت: بلی. ولی شما هیچگونه حقی از آب ندارید. گفتند: باشد.

ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «مادر اسماعیل که انس گرفتن با مردم را دوست داشت، پیشنهاد آنان را پذیرفت. آنها هم در آنجا توقف کردند و کسانی را برای آوردن خانواده هایشان فرستادند. آنان نیز آمدند و در آنجا سکونت گزیدند طوری که چند خانواده از قبیله جرهم در آنجا جمع شدند.

اسماعیل علیه السلام رشد کرد و نوجوان گردید و عربی را از آنان، فرا گرفت. در این هنگام، مورد پسند آنان واقع شد و آنها او را انسانی با ارزش می دانستند. لذا هنگامی که به سن بلوغ رسید، یکی

زمزم

آب شفا بخش

از دخترانشان را به نکاح او در آوردند. و پس از مدتی، مادر اسماعیل، فوت کرد.

سر انجام، بعد از ازدواج اسماعیل، ابراهیم علیه السلام آمد تا خانواده اش را که بخاطر خدا، رها کرده بود، سر بزند. پس به خانه اسماعیل آمد ولی او آنجا نبود. از همسرش درباره او پرسید. همسرش گفت: برای کسب رزق ما، بیرون رفته است. سپس، ابراهیم علیه السلام جویای وضع معیشتی و زندگی آنان شد. گفت: وضع ما خیلی بد است. در تنگنا و سختی بسر می بریم. و خلاصه اینکه زبان شکوه گشود. ابراهیم علیه السلام گفت: هنگامی که همسرت آمد، به او سلام برسان و بگو تا آستانه دروازه خانه اش را تغییر دهد. هنگامی که اسماعیل آمد، بوی آشنایی، احساس کرد. لذا پرسید: آیا کسی نزد شما آمده است؟ گفت: بلی. پیرمردی چنین و چنان، نزد ما آمد و سراغ تو را گرفت. به او گفتم که تو کجا رفته ای. و همچنین از وضع زندگی ما پرسید. به او گفتم که در سختی و مشقت بسر می بریم. اسماعیل گفت: آیا به تو سفارشی کرد؟ گفت: بلی، به من دستور داد که به تو سلام برسانم و گفت: آستانه درب خانه ات را عوض کن.

اسماعیل گفت: او پدر من است و دستور داده است تا از تو جدا شوم. پس نزد خانواده ات برو. اینگونه او را طلاق داد و با زنی دیگر از آن قبیله، ازدواج کرد. ابراهیم علیه السلام برای مدتی که خدا می خواست، نزد آنان نیامد. سپس آمد و بار دیگر، اسماعیل را نیافت. نزد همسرش رفت و سراغ اسماعیل را گرفت. گفت: به طلب روزی، بیرون رفته است. پرسید: حال شما چطور است؟ و جویای وضع معیشتی و زندگی آنان شد. گفت: ما در رفاه و آسایش بسر می بریم و خدا را ستایش نمود. ابراهیم پرسید: غذای شما چیست؟ گفت: گوشت. پرسید: آشامیدنی شما چیست؟ گفت: آب. ابراهیم علیه السلام دعا کرد و گفت: خدایا! در گوشت و آب آنان، برکت عنایت فرما.

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «آن زمان، در مکه، حبوباتی وجود نداشت و گر نه برای آنها نیز دعای برکت می نمود. بدینجهت هرکس، بیرون از مکه، تنها به خوردن گوشت و آب اکتفا کند، برایش ناسازگار خواهد شد».

زمزم
آب شفا بخش

ابراهیم علیه السلام گفت: هنگامی که همسرت آمد، به او سلام برسان و بگو: آستانه در خانه ات را محکم نگه دار. وقتی که اسماعیل آمد، پرسید: آیا کسی نزد شما آمده است؟ گفت: بلی، پیرمردی خوش قیافه نزد ما آمد که دارای چنین صفات خوبی بود. آنگاه، سراغ تو را گرفت. به او گفتم که تو کجا رفته ای. سپس از وضع زندگی ما پرسید. به او گفتم که ما در آسایش بسر می بریم. اسماعیل پرسید: آیا به تو وصیتی کرد؟ گفت: بلی، به تو سلام رساند و دستور داد تا آستانه در خانه ات را محکم نگه داری. گفت: او پدر من بوده است و منظور از آستانه در، تویی. به من دستور داده است تا با تو زندگی کنم.

سپس، ابراهیم علیه السلام برای مدتی که خدا می خواست نزد آنان نیامد. بعد از آن، زمانی آمد که اسماعیل، نزدیک زمزم و زیر درخت بزرگ، مشغول تراشیدن و ساختن تیری بود. هنگامی که پدرش را دید، برخاست و بسوی او رفت. و رفتاری را که شایسته پدر نسبت به فرزند، و فرزند، نسبت به پدر بود، انجام دادند. سپس، ابراهیم علیه السلام گفت: ای اسماعیل! خداوند مرا به انجام کاری،

—
 امر کرده است. اسماعیل گفت: آنچه را که پرودگارت به تو دستور داده است، انجام بده. گفت: آیا تو به من کمک می کنی؟ گفت: کمک ات می کنم. گفت: همانا خداوند به من دستور داده است تا اینجا خانه ای بسازم. و با دستش به سوی تپه های مرتفع اطرافش، اشاره کرد. راوی می گوید: اینجا بود که پایه های خانه خدا را بنا نهادند. اسماعیل علیه السلام سنگ می آورد و ابراهیم علیه السلام بنایی می کرد. و هنگامی که دیوارهای آن، بالا می آمد، اسماعیل این سنگ (که به مقام ابراهیم علیه السلام معروف است) را آورد و ابراهیم علیه السلام بر آن، ایستاد و بنایی می کرد و اسماعیل به او سنگ می داد. و هر دو چنین دعا می کردند ﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ یعنی پرودگارا! از ما بپذیر. همانا تو شنوا و دانایی^(۱).

عبد المطلب و حفر مجدد چاه زمزم

همچنانکه ذکر نمودیم ، خداوند زمزم را از جوشش انداخت و خشک کرد، به طوری که مکان آن نیز محو گردید، و تا دوران عبد المطلب جد بزرگوار رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم مخفی بود؛ عبد المطلب شبی در خواب دید که به او گفته می شود: «بره» (یکی از نامهای زمزم است) را حفر کن، و فردا باز در خواب دید، که به او می گویند: «مضنونه» (از نامهای زمزم است) را حفر کن، در روز سوم نیز به گفته شد: «طیبه» (نام دیگر زمزم) را حفر کن، و در روز چهارم در خواب دید که به او گفته شد: «زمزم» را حفر کن. آنگاه در خواب جایگاه زمزم به وی نشان داده شد.

پس عبد المطلب قریش را در جریان گذاشت، و آنگاه خود با کمک فرزندش «حارث» همان نقطه ی خاص را حفر کردند، بعد از اینکه مقداری حفر نمودند؛ ناگهان آب فواره زد و بالا آمد؛ و چشمه ی زمزم بار دیگر ظاهر شد، و عبد المطلب در کنار آن حوضی ساخت، و حاجیان و زائران خانه ی خدا از آب زمزم می نوشیدند، و سقایت

حاجیان را به عهده گرفت، و در هنگام ظهور اسلام سقایت حجاج در دست عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بود^(۱)

چاه زمزم و سرچشمه های آن

بیش از پنج هزار سال؛ از ظهور آب گوارا و شفا بخش زمزم، از زمان حضرت اسماعیل علیه السلام تا کنون می گذرد،

و از زمان حفر دوباره در زمان عبدالمطلب تا کنون حاجیان از آن بهره مند می شوند، چاه زمزم در قرب کعبه مشرفه واقع است، اما اکنون در طبقه زیر زمینی مطاف در عمق ۱/۵۶ متری قرار دارد، و در فاصله نزدیک کعبه و مقام ابراهیم؛ در سمت چپ، سنگی دایره ای شکل قرار دارد که بر آن نوشته شده: « بئر زمزم» (چاه زمزم). بعد از توسعه ی جدید حرم در دوران ملک فهد پادشاه سعودی؛ سالن های

(۳) اخبار مکه فاکهی (۱۳/۱) و اخبار مکه ازرقی (۴۴/۲) و بدایه و نهایه ابن کثیر (۳۲۱/۲) و سبل الهدی (۱۸۷/۱-۱۸۹) و روض الأنف سهیلی (۱۶۶/۱).

زمزم
آب شفا بخش

جداگانه ای برای زنان و مردان، در طبقه زیر زمین مطاف ساخته شده و زائران از آن شیرهای آب که آنجا نصب شده استفاده می کنند.

چشمه های که چاه زمزم را تغذیه می کنند؛ عبارت از سه چشمه است:

- چشمه ای در مقابل رکن اسود (حجر الاسود).

- و چشمه ای در مقابل کوه ابو قبیس و صفا.

- و چشمه سومی در مقابل مروه قرار دارد.^(۱)

در سال ۱۴۰۰ هجری شمسی، تیمی از مهندسين به سرپرستی مهندس یحیی کوشک؛ هنگام پاکسازی چاه زمزم؛ توانستند که اندازه های دقیقی از عمق چاه زمزم و همچنین سرچشمه های آن بدست آورند.

مهندس یحیی کوشک می گوید:

(۱) اخبارمکه ازرقی (۶۱/۲) و اخبارمکه فاکهی (۷۴/۲) و فضل ماء زمزم، سائد بکدش (ص ۳۶)

سرچشمه اصلی چاه زمزم؛ از سمت کعبه؛ از طرف حجر الاسود است که طول آن ۴۵ سم و ارتفاع آن ۳۰ سم است، و بیشترین آب از همین ناحیه می جوشد. سرچشمه دومی آب زمزم؛ روزنه ای بزرگی در جهت مکبریه (اجیاد) می باشد، که طول آن ۷۰ سم است، و در داخل به دوشاخه تقسیم می شود، و ارتفاع آن ۳۰ سم است، و همچنین روزنه ها و سرچشمه های کوچکی نیز در بین سنگهای دیواره های چاه قرار دارد، که آب از بین آنها نیز بیرون می آید، پنج تا از اینها در بین دو سر چشمه و روزنه ی اساسی قرار دارند که به اندازه ی یک متر است، همچنین ۲۱ روزنه ی دیگر وجود دارد که از کنار روزنه ی اصلی آغاز می شود، و به سمت کوه ابی قییس و صفا می باشد.^(۱)

(۱) زمزم، یحیی کوشک (ص ۶۱) و فضل زمزم بکدش (ص ۳۷).

 زمزم

آب شفا بخش

نامهای زمزم

آب زمزم؛ نامهای زیادی دارد، و کثرت اسم بر شرف و بزرگی مسمی دلالت می کند، از آنجایی که آب زمزم بهترین آب بر روی زمین است؛ و آب شفا بخش و مبارکی است، دارای اسامی بسیاری می باشد، از نامهای آن:

برکه، بره، بشری، هزمه جبریل، حفیره عبدالمطلب، طیبه، مذنونه، سقیا اسماعیل، نافع، میمونه، صافیه، شباعه، طاهره، ظیبه... می باشد^(۱)

(۱) ر.ک. فضل ماء زمزم (ص ۴۱) وسبل الهدی (۱/۱۸۵) و اخبار مکه فاکهی (۲/۶۸).

فضایل آب زمزم

در باره ی اهمیت و فضیلت آب زمزم؛ و فضیلت نوشیدن آن روایات بسیاری از پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم نقل شده است که ما در اینجا به برخی از آن روایات اشاره می کنیم:

* ابوذر رضی الله عنه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: « اینها مبارکه، اینها طعام طعم؛ زمزم، آب مبارکی است، و غذایی است که گرسنه را سیر می کند».^(۱)

* در روایت دیگر آمده است: « زمزم؛ غذایی برای گرسنه، و شفایی برای بیماری است»^(۲)

(۱) امام مسلم در کتاب صحیح (۲۴۷۳) روایت کرده است، این حدیث طولانی است، در آن داستان ابوذر ذکر شده که وی بمدت یکماه در مکه پنهان بود؛ و بجز آب زمزم، آب و غذایی نداشت.

(۲) طبرانی در معجم کبیر (۱۱۱۶۷) و اوسط (۳۹۱۲) روایت کرده است.

زمزم

آب شفا بخش

* و عبد الله بن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله
وسلم فرمود: «آب زمزم، بهترین آب روی زمین است»^(۱)

(۱) طبرانی در معجم صغیر (۲۹۵) و بیہقی در سنن کبری (۱۴۷/۵) روایت کرده اند.

عبد الله بن عباس رضی الله عنهما روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «آب زمزم برای آن چیزی است که نوشیده شود، پس اگر برای طلب شفا، آن را نوشیدی، خداوند به توشفا می بخشد، و اگر برای سیر شدن نوشیدی؛ خداوند تو را سیر می گرداند، و اگر برای رفع تشنگی نوشیدی؛ خداوند تشنگی تو را برطرف می سازد، آن گودال جبریل، و نوشیدنی خداوند برای حضرت اسماعیل است.^(۱)

(۱) حاکم در مستدرک (۶۴۶/۱) و دار قطنی در سنن (۲۸۹/۲) روایت کرده اند.

ویژگیهای آب زمزم

۱- آب زمزم از نظر ترکیب دارای ویژگی خاصی است، از زمان بوجود آمدنش تا کنون دارای ترکیبات معدنی یکسان بوده است، علیرغم استفاده مدام از آب زمزم تا به حال این چاه خشک نشده است.

مهندس سامی عنقاوی مدیر مرکز(ابحاث) تحقیقات حج می گوید: ما در هنگام توسعه جدید حرم؛ مشغول حفاری چاه زمزم بودیم، هر چه آب را بیرون پمپاژ می کردیم، باز جوشش آب بیشتر می شد، ناچار شدیم سه پمپ بزرگ برای تخلیه آب نصب کنیم، تا اینکه بتوانیم اساس آن را پایه ریزی کنیم، آنگاه از سر چشمه های اصلی زمزم نمونه برداشتیم، تا آزمایشهای لازم را به عمل آوریم که آیا حاوی میکرب است؟ یا خیر؟ بنابر این به این نتیجه رسیدیم که خالی از میکرب می باشد، و یک عدد میکرب هم در آن نیافتیم! پاک و تمیز است، ولی گاهی اوقات هنگام استفاده از آب زمزم که در گالون یا دلو ریخته می شود؛ یا از کانال لوله کشی عبور می

کند، امکان آلوده شدن دارد، اما خود آب در ذات خودش هیچ گونه آلودگی یا میکرب ندارد، و این ویژگی آب زمزم است.^(۱)

۲- آب زمزم بهترین آب روی زمین است.

این بخشی از حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم است که در صفحات گذشته ذکر نمودیم.

۳- آب زمزم بوسیله ی امین وحی حضرت جبریل علیه السلام برای نوشیدن پیامبر گرامی حضرت اسماعیل علیه السلام آشکار شده است.

۴- آب زمزم در مقدس ترین سرزمین و در کنار خانه ی خدا، در حرم مکه، نزد رکن و مقام جوشیده است.

۵- آب زمزم؛ آبی است که قلب مطهر مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم را با آن شستشو داده اند.

(۱) ماء زمزم معجزات و اسرار (ص ۵۵)

زمزم

آب شفا بخش

انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم (در دوران کودکی) با کودکان مشغول بازی بود، جبریل علیه السلام آمد، او را گرفت و خواباند، سپس سینه اش را شکافت... آنگاه آن را با آب زمزم؛ در تشت طلایی شستشو داد...^(۱)

همچنین در واقعه ی اسراء و معراج؛ قلب پاک رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم با آب زمزم شستشو داده شده است. در حدیث آمده : «...جبریل آمد، آنگاه سینه ام را شکافت، سپس با آب زمزم شست...»^(۲)

۶- آب زمزم از آیات بینات (نشانه های واضح) و معجزات الهی در حرم مکه می باشد؛ که از زمان حضرت اسماعیل علیه السلام تا کنون این چاه جریان داشته و سالی صدها هزار نفر از آن بهره برداری می کنند.

(۱) صحیح مسلم (۲۶۱)

(۲) صحیح بخاری (۳۴۹) و همچنین به فتح الباری (۱/۴۶۰ و ۱۳/۴۸۱) رجوع شود.

۷- آب زمزم؛ آبی است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آب دهان مبارکشان را در آن انداخته اند، و به برکت آن افزوده شده است.

عبدالله بن عباس می گوید: « رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم کنار چاه زمزم تشریف آوردند، پس دلو آبی را برای ایشان کشیدیم، نوشیدند، سپس در آن آب دهان انداختند، آنگاه ما آن آب را چاه زمزم ریختیم....»^(۱)

در روایت دیگر:

«آنگاه نوشیدند و مضمضه کردند، سپس آب دهان خود را در دلو انداختند، آنگاه دستور دادند آن را درون چاه بریزند»^(۲)

وائل بن حجر می گوید:

(۱) امام احمد (۳۷۲/۱) روایت کرده است، و اسنادش صحیح می باشد.
 (۲) ازرقی در اخبارمکه (۵۴/۲) بصورت مرسل آورده است، به معجم کبیر طبرانی (۱۰۹۷۲) و نصب الرايه (۹۹/۳) رجوع شود.

زمزم

آب شفا بخش

« دلوی از آب زمزم، خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آورده شد، پس مضمضه (آب را در دهان) کردند، آنگاه آب دهان را در آن انداخت، (سپس در چاه ریخت) ^(۱) از بوی مشک خوشبوتر بود، ^(۲) (بوی مشک از آن برخاست) ^(۳)».

و در روایت دیگر آمده: « پس نوشید، سپس وضو گرفت،

و مضمضه کرد، آنگاه در دلو ریخت... » ^(۴)

پس برکت و خاصیت آب دهان مبارک رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بر برکت و خاصیت زمزم افزوده است.

۸- آب زمزم غذایی برای گرسنه است، خداوند این ویژگی را در آب زمزم قرار داده است که گرسنه را سیر می گرداند، و جای غذا را

(۱) مسند احمد (۳۱۵/۴) و معجم کبیر طبرانی (۵۱/۲۲)

(۲) امام احمد (۳۱۸/۴) و ابن ماجه (۶۵۹) روایت کرده اند، و حسن می باشد.

(۳) امام احمد (۳۱۸/۴) و ابن ماجه (۶۵۹) روایت کرده اند، و حسن می باشد.

(۴) مسند حمیدی (۸۸۶)

می گیرد، از داستان هاجر و اسماعیل علیهما السلام چنین می فهمیم که خداوند این آب مبارک را غذا و آب آنان قرار داده بود.

حافظ ابن حجر می گوید: در حدیث ذکر شده که هاجر بر همان حال خودش بود تا اینکه کاروانی از قبیله ی جرهم از آنجا گذر کردند.... از این دانسته می شود که هاجر با آب زمزم خود را تغذیه می نمود، و او را از غذا و آب بی نیاز می کرد.^(۱)

و در داستان مسلمان شدن ابوذر آمده است که وی بمدت یکماه در مکه میان پرده کعبه پنهان بود، و می خواست که با پیامبر خدا ملاقات کند، و در این مدت فقط از آب زمزم می نوشید، ابوذر می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم با یارش آمد و حجر اسود را استلام کرد، سپس خانه کعبه را طواف نمود، آنگاه نماز خواند، هنگامی که از نمازش فارغ شد، عرض کردم: السلام علیک یا رسول الله، فرمود: « وعلیک ورحمة الله » سپس فرمود: « چه کسی هستی؟ » عرض کردم: از قبیله ی غفار سپس فرمود: « از چه مدت تو در

(۱) فتح الباری (۴۰۳/۶)

زمزم

آب شفا بخش

اینجا بودی؟» عرض کردم: از ۳۰ شبانه روز، فرمود: «چه کسی به تو غذا می داد؟» عرض کردم: غذایی جز آب زمزم نداشتیم، و چنان چاق و فربه شده ام که گوشت شکمم از فربهی روی هم خمیده است، و هیچ اثری از گرسنگی در بدنم احساس نمی کنم. فرمود: «آری، آن آب مبارکی است، و آن غذایی برای گرسنه است».^(۱)

امام ابن قیم در کتاب زاد المعاد می نویسد: من کسی را دیدم که ایام زیادی؛ تقریباً یکماه ونیم یا بیشتر فقط با آب زمزم تغذیه می نمود، و اصلاً احساس گرسنگی نمی کرد، و همراه با سایر مردم نیز طواف می کرد، و به من گفت: گاهی اوقات تا چهل روز به همین حالت باقی می مانم.^(۲)

۹- آب زمزم شفای هر دردی است

خداوند بزرگ در این آب مبارک ، خاصیت شفا بخش را قرار داده است، پس کسی که به نیت شفا این آب را بنوشد؛ خداوند

(۱) صحیح مسلم (۲۴۷۳)

(۲) زاد المعاد (4/356)

تبارک و تعالی او را از هر بیماری شفا می بخشد. در حدیث گذشت که: « زمزم بهترین آب روی زمین است، غذایی برای گرسنه و شفای بیماری است».

ابوذر رضی الله عنه روایت میکند که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: « زمزم، غذایی برای گرسنه، و شفای بیماری است»^(۱)

و در دنباله ی حدیث ابوذر که امام مسلم روایت کرده است: «إنها مبارکة، إنها طعام طعم» حافظ ابن حجر می گوید: طیالسی افزوده است: « وشفاء سقم» (و شفای هر بیماری است)^(۲)

لفظ حدیث: «شفاء سقم» شفای بیماری است، هر بیماری را شامل می شود.

(۱) بزار روایت کرده است (ترغیب و ترهیب منذری ۲/۲۰۹)

(۲) فتح الباری (۳/۴۹۳)

زمزم
آب شفا بخش

و همچنین حدیثی که ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روایت نموده: «زمزم برای آن چیزی است که نوشیده شود، اگر برای طلب شفا نوشیدی، خداوند تو را شفا می بخشد...»^(۱)

حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آب زمزم را به بیماران می داد، و بر آنان می پاشید.^(۲) صحابی بزرگوار عبد الله بن عباس رضی الله عنهما؛ آب زمزم را برای شفا از هر دردی می نوشید، و چنین دعا می نمود: «اللهم انی أسالک علماً نافعاً ورزقاً واسعاً وشفاءً من کل داء»^(۳)

امام ابن قیم می گوید: «من استشفا با آب زمزم را آزموده ام، و برای بیماریهای مختلفی نوشیده ام؛ با فرمان خدا شفا یافتم»^(۴)

(۱) مستدرک حاکم (۱/۶۴۶) و سنن دار قطنی (۲/۲۸۹)

(۲) اخبار مکه فاکهی (۲/۴۹) و سنن کبری بیہقی (۵/۲۰۲)

(۳) مستدرک حاکم (۱/۴۷۳)

(۴) زاد المعاد (۴/۳۲۰)

آداب نوشیدن آب زمزم

- آب زمزم بهترین آب روی زمین است، و نوشیدن آن آدابی دارد:
- مستحب است که در آغاز بسم الله بگوید.
- با دست راست بنوشد.
- ایستاده و رو به قبله بنوشد^(۱)
- هنگام نوشیدن نیت داشته باشد.
- با سه نفس بنوشد.
- بعد از نوشیدن الحمد لله بگوید.
- «تضلع» (بسیار نوشیدن) یعنی: آنقدر بنوشد و سیراب شود تا آنکه آب به اضلاع (دنده ها) برسد.

(۱) فقها در باره ی نوشیدن زمزم بحالت نشسته و یا ایستاده اختلاف نظر دارند، وراجح این است که نشسته و ایستاده هر دو جایز است.

 زمزم

آب شفا بخش

فواید نوشیدن زمزم

آب زمزم دارای فواید بسیاری است، واز آنجایی که بهترین آب روی زمین است، باید آنقدر نوشید که سیراب شد، از فواید آب زمزم این است که خستگی را از بین می برد، مشاهده می کنیم که حجاج بعد طواف و خستگی هنگامی که آب زمزم را می نوشند، احساس خستگی از آنان دور می شود و فعال تر می شوند.

همچنین از دیگر فوایدش این است که سبب تقویت بدن، بخصوص زانو و مفاصل می گردد.

حضرت عبد الله بن عباس رضی الله عنهما می گوید:

«هیچ کسی نمی توانست در دویدن از اهل مکه سبقت بجوید، وهر کس با آنان کشتی می گرفت، او را به زمین می انداختند، واهل مکه هیچ گاه دچار زانو درد نمی شدند؛ تا اینکه از آب زمزم روی گردان شدند، آنگاه بیماری به پاهایشان سرایت کرد و ناتوان شدند».^(۱)

(۱) اخبار مکه فاکھی (۴۶/۲)

و همان گونه که در حدیث آمده است: «آب زمزم برای آنچه که نوشیده شود، می باشد» در زندگی نامه بسیاری از علمای مشهور نوشته شده که آنان آب زمزم را برای علم فراوان و حافظه ی قوی نوشیده اند و به مرادشان رسیده اند.

پس برای هر مقصد و مرادی که آب زمزم نوشیده شود به اذن الهی آن مراد و مقصد برآورده می شود، ولیکن به نیت و اخلاص شخص بستگی دارد.

آب زمزم بهترین تحفه ای است که از مکه آورده می شود، و بهترین هدیه ای که به مهمان داده می شود.

از اسرار آب زمزم

از اسرار و معجزه الهی در آب زمزم این است که دارای نیرو و معادن بسیاری است، و درصد بالایی از کلرید سودیوم دارد که به ۱۸٪ می رسد؛ و این سبب می شود که هنگام نوشیدن کمی احساس نمکین بودن داشته باشد، ولی با این وجود شخصی که می نوشد در آن هنگام هیچ گونه شور و نمکین بودن را احساس نمی کند.

زمزم

آب شفا بخش

زمزم؛ چنان ترکیب خاصی دارد که با مرور زمان هرگز مزه و رنگ و بوییش تغییر نمی کند، و هیچ گونه میکرب و باکتری به آن راه ندارد.

شگفتیهای آب زمزم

هرچند که برخی کوشش نموده اند که آبهای معدنی شبیه ترکیبات آب زمزم بسازند ولی تمام تلاش و سعی آنان بیهوده بود است زیرا که آب زمزم ویژگی خاص دارد که خداوند در آن قرار داده است.

و علم به اثبات رسانده که آب زمزم با تمام آبهای جهان فرق دارد، با وجود دانسته شدن برخی از مکونات (عناصر سازنده) خداوند ویژگی خاصی در آن قرار داده و سری در آن نهفته است که به آن پی نبرده اند دکتر محمد عزت مهدی استاد علم زمین شناسی در انستیتو تحقیقات زیست شناسی دانشگاه عین شمس قاهره، طی تحقیقاتی که در سالهای اخیر انجام داده است به این نتیجه رسیده که آب زمزم ویژگی های منحصر به فرد دارد که آن را از سایر آبهای جهان متمایز می گرداند.

برخی از ویژگی های که به آن اشاره نموده عبارت است از اینکه: آب زمزم هرگز بد بو و گندیده نمی شود، مزه، رنگ و بوی آن هرگز تغییر نمی کند، و شبیه عسل می باشد که عوامل آب و هوا بر آن تأثیر نمی گذارد، بر عکس تمام آبهای دیگر، مانند آب نهرها، دریاها، باران، و آبهای زیر زمینی، و سبب آن نیز به ترکیبات و عناصر شیمیایی آن بر می گردد که مانع رشد و فعالیت میکرب و باکتری و قارچها می شود.

افزون بر آن آب زمزم بهترین و عظیم ترین آب معدنی است که در سطح جهان برای علاج و شفا از آن استفاده می شود.

از اسرار و شگفتیهای دیگر زمزم این است که با وجود اینکه دارای املاح زیادی است طعم آن شیرین است، و هنگام نوشیدن شور بودنش محسوس نمی شود، اگر این نسبت املاح که در آب زمزم وجود دارد در آب دیگری وجود می داشت هرگز قابل شرب نبود.^(۱)

(۱) ماء زمزم اسرار و معجزات (ص ۲۴)

آب زمزم در آزمایشگاههای جهانی

آب زمزم معجزه الهی است که سالانه بیش از صدها هزار نفر از آن می نوشند، در سال ۱۹۷۱ میلادی در زمان حکومت ملک فیصل پادشاه عربستان؛ یک پزشک مصری چنین ادعا نمود که آب زمزم برای آشامیدن مناسب نیست، زیرا که کعبه در گودی و پایین تر از سطح دریا و در مرکز شهر مکه واقع شده است، بنابراین فاضلاب های مکه همه بسوی چاه زمزم سرازیر می شود و آن را آلوده می سازد.

پس هنگامی که شاه فیصل از این موضوع آگاه شد؛ بلا فاصله دستور داد تا وزارت کشاورزی و منابع آبی نمونه ای از آب زمزم را جهت آزمایش و صحت قابل شرب بودنش را به آزمایشگاههای اروپا ارسال نمایند این وزارتخانه تصفیه خانه ها و نیروگاههای موجود در جده را موظف نموده تا این کار را به انجام برسانند؛ و مهندس معین الدین احمد که به عنوان مهندس شیمی کارمند وزارت کشاورزی بود؛ موظف گردید که این امر را به انجام برساند.

مهندس معین الدین می گوید:

بخاطر دارم که آن زمان هیچ تصویری راجع به این که آب چاه ممکن است به چه صورت باشد؛ را نداشتیم... هنگامی که به چاه رسیدیم؛ برایم مشکل بود باور کنم که این چاه که به اندازه یک حوض بود؛ وابعادی در حدود ۱۸ در ۱۴ فوت داشت، وهرساله حاجیان به اندازه میلیونها گالن آب از آن برداشت می کنند همان چاهی است که قرنها پیش در

زمان حضرت ابراهیم علیه السلام بوجود آمده است تحقیقاتم را با اندازه گرفتن ابعاد چاه شروع کردم، سپس از دستیارم خواستم تا عمق چاه را به من نشان دهد، وی ابتدا غسل و خود را تطهیر نمود، سپس به داخل چاه رفت و ایستاد، سطح آب چاه درست تا بالای شانه هایش بود؛ سپس برای یافتن هر گونه مجرا و لوله ای که آب را به داخل چاه بیاورد، از یک طرف به طرف دیگر چاه رفت، ولی موفق به یافتن هیچ مجرای نشد، فکر دیگری ب ذهنم رسید، وآن اینکه ما می توانستیم به وسیله پمپ بزرگی که در چاه نصب شده

زمزم

آب شفا بخش

بود، و برای ذخیره کردن آب زمزم در مخزن می بود؛ آب را به سرعت کنار بزنیم، بدین صورت عمق آب موجود در چاه کم می شد و می توانستیم مجرا دخول آب را مشاهده کنیم؛ ولی تعجب آور بود که در زمان پمپاژ کردن آب، چیزی مشاهده نکردیم، اما من به این مسئله واقف بودم که این روش راه حل یافتن ورودی آب به چاه است، لذا تصمیم گرفتیم دوباره این مرحله را تکرار نماییم، ولی این بار به دستیارم گفتم که دیک جا بایستد، و با دقت هر اتفاق غیر معمول را در نظر بگیرد، او پس از مدتی دستانش را بلند کرد و فریاد زد: الحمد لله یافتم، سپس گفت: در بستر چاه حرکت شنها در زیر پایم؛ مکانی را که آب از آن تراوش می کند، احساس می کنم، آنگاه او در اطراف چاه قدم زد و همان پدیده را جای جای چاه احساس

نمود، در واقع تراوش آب به چاه بطور یک نواخت در هر نقطه از بستر آن وجود داشت و باعث می شد تا سطح آب ثابت بماند.

مهندس معین الدین می افزاید:

پس از تکمیل مشاهداتم نمونه هایی از آب چاه را جهت انجام آزمایشات در آزمایشگاههای اروپایی برداشتم، و قبل از ترک مکه؛ پرسشهایی را در مورد دیگر چاههای موجود در اطراف مکه از مقامات مسئول نمودم، و آنها اظهار داشتند که تمامی آن چاهها تقریباً خشک هستند.

پس از مراجعت به دفترم در جده یافته های خویش را برای مدیرم بازگو نمودم و او نیز با علاقه به آنها گوش می داد..

نتایج آزمایشات به عمل آمده بر روی نمونه های آب زمزم در اینجا و اروپا تقریباً یکسان بود، و تنها اختلاف مشاهده شده بین آب زمزم و دیگر آبها در مقدار کلسیم و منیزیم آن است، که این مقدار در آب زمزم کمی بیشتر بوده و شاید بدین علت باشد که این آب باعث رفع خستگی حاجیان می گردد، اما نکته ای که بیشتر حائز اهمیت می باشد این است که این آب محتوی فلوراید و دارای خاصیت میکرب کشی قوی می باشد، علاوه بر این نتایج آزمایشات به عمل آمده در

زمزم**آب شفا بخش**

اروپا نشان می دهد که این آب برای آشامیدن بسیار مفید است؛ از این رو اظهارات دکتر مصری کاملاً رد شد.

هنگامی که نتایج آزمایشات به شاه فیصل گزارش شد، وی بسیار خرسند گردید و دستور داد این مطلب در مطبوعات اروپا منعکس گردد.

در هر حال این مسئله موهبتی شد تا از طریق این تحقیقات به ترکیبات شیمیایی آب زمزم پی ببریم و در حقیقت هر چه بیشتر راجع به آب زمزم تحقیق نمایید شگفتیهای بیشتری را در آن مشاهده خواهید کرد؛ تا آنجا که خود به اعجاز آن پی خواهید برد، آبی که خداوند به عنوان هدیه به مؤمنانی که از دور دست برای زیارت به این بیابان مشرف می شوند؛ ارزانی داشته است.

در اینجا برخی از ویژگیهای آب زمزم را به اجمال بیان می کنیم:

- علیرغم استفاده مداوم از آب زمزم تا به حال این چاه خشک نشده است.

- آب این چاه از زمان بوجود آمدن تا به حال دارای ترکیبات معدنی یکسان بوده است.

- به گفته زائرانی که برای مناسک حج و عمره به خانه خدا مشرف شده اند و از این آب نوشیده اند اذعان داشته اند که آشمیدن این آب باعث شادابی و رفع خستگی در آنان گردیده است.

- این آب در نقاط مختلف دنیا آزمایش شده و دارای تقاضای بالای در سطح جهان می باشد.

- هیچ گونه ترکیبات شیمیایی ویا کلر جهت ضد عفونی به این آب اضافه نشده است.

برخلاف چاههای دیگر هیچگونه رشد و زندگی گیاهی و جانوری در این چاه وجود ندارد، وعلیرغم آن که این موضوع خود باعث طعم بد و بوی نامطبوع آب می گردد؛ اما آب زمزم بدینگونه نمی باشد.^(۱)

(۱) ماء زمزم معجزات و اسرار (ص ۲۶)

 زمزم

آب شفا بخش

علاج با آب زمزم

آب زمزم بهترین آب روی زمین است، و رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آن را شفای بیماری نامیده اند، و رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم آب زمزم را بر روی بیماران می ریخت و به آنان می نوشتند.

امام ابن قیم رحمه الله علیه در طب نبوی می گوید:

من استسفا با آب زمزم را آزموده ام، و برای بیماریهای مختلفی نوشیده ام؛ و با فرمان خدا شفا یافته ام^(۱) در مکه ایامی بر من گذشت که در آنجا بیمار گشتم، و هیچ گونه دوا و طبیبی را نیافتم؛ پس با سوره ی فاتحه و آب زمزم خود را مداوا نمودم، بدین صورت که آب زمزم را بر می داشتم و چندین بار سوره فاتحه را بر آن می خواندم سپس می نوشیدم، بنابراین با آن بهبودی و شفای کامل یافتم، بعد از

(۱) طب نبوی (ص ۳۹۳)

آن برای خیلی از بیماریها بر آن اعتماد می کردم و بهترین فایده از آن را می دیدم.^(۱)

سرگذشت خانم لیلی حلو مغربی؛ که به بیماری سرطان مبتلا بود، و پزشکان از معالجه اش ناتوان شده بودند؛ مشهور و معروف است، که بوسیله آب زمزم کاملا شفا یافت، حکایت کامل آن در کتابها و روزنامه ها نوشته شده و همچنین در سایت : رساله الاسلام، و سایتهای دیگر ذکر شده، و نوار کاست با صدای خودش نیز وجود دارد.

همچنین دهها افراد دیگر که از بیماری ضعف بینایی یا درد کلیه و غیره رنج می بردند با آب مبارک زمزم شفا یاب شده اند.

از آنجایی که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آب زمزم را شفای درد و بیماری نامیده اند؛ به اغلب بیمارانی که به بنده مراجعه می کردند؛ نوشیدن آب زمزم را توصیه می نمودم، واکثرا نیز نتیجه

(۱) طب نبوی (ص ۱۷۸)

زمزم**آب شفا بخش**

مطلوبی می دیدند، بخصوص بیماری بود که از سنگ کلیه رنج می برد و پزشکان برایش عمل جراحی تجویز کرده بودند؛ الحمد لله با آب زمزم و داروهایی طب نبوی، خداوند به وی شفا بخشید.

وهمچنین زن و مردی که از عقم و نازایی شکایت داشتند به فضل خداوند با آب زمزم و کثرت استغفار و تجویز برخی دارو از طب نبوی؛ دارای نعمت فرزند گردیدند.